روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

روزنامه شرق

چهارشنبه ۲۱ آذر ۱۴۰۳ • ۹ جمادی‌الثانی ۱۴۴۶ • ۱۱ دسامبر ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۹۹۷ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۸ • اذان مغرب ۱۷:۱۱ • اذان صبح فردا ۵:۳۵ • طلوع آفتاب ۷:۰۵

همه ساله با خنک شدن تدریجی هوا، پرندگان مهاجر همچون پلیکان، اردک و دیگر گونه‌ها از مناطق سردسیری سیبری و اروپا به خلیج گرگان، تالاب‌ها و زیستگاه‌های آبی استان گلستان می‌آیند.عکس: علی دهقان، فارس

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

قانونی بدون حقوق؛ نقدی بر قوه قانون‌گذار

ابراهیم ایوبی
وکیل دادگستری

سرانجام مصوبه ۷۳ماده‌ای «حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» پس از تصویب و تأیید اما پیش از ابلاغ توسط رئیس‌جمهور منتشر شد و همگان را با وجود انتظار متنی خاص، شگفت‌زده کرد. گرچه ورود به محتوای این مصوبه ضرورتی ندارد و از منظر مبانی حقوق دارای ایراداتی بنیادین است، بااین‌حال به چند مورد اشاره می‌کنیم. بندهای ۷ و ۸ ماده ۱۱ به ترتیب بیان می‌دارد: «توجه به مسئله عفاف و حجاب به‌عنوان یک امتیاز شاخص در گزینش و معرفی دانشجویان نمونه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی» و «طراحی، تهیه و اجرای نظام جامع تربیتی و ایجاد کارپوشه فعالیت‌های فرهنگی دانشجویان با تأیید شورای اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها». چنین نگاهی به دانشجو و دانشگاه را فقط در راستای تدوین برنامه‌هایی همچون «نقشه مهندسی فرهنگی کشور» می‌توان ارزیابی کرد. بند ۳ ماده ۱۲، «طراحی چیدمان اداری در ساختمان‌های ستادی بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها و سایر مراکز مربوط به وزارت بهداشت بر اساس حفظ حدود حریم شرعی بین کارمندان زن و مرد و ایجاد محیط اختصاصی جهت ارائه خدمات پزشکی جز در موارد ناگزیر به حضور نامحرم» جایی برای تحلیل باقی نمی‌گذارد.

در مقدمه توجیهی، هدف قانون رویکردی فرهنگی در حمایت از نهاد خانواده عنوان شده، اما ماده ۴۷ این‌گونه انشا شده است: «دادگاه صادرکننده حکم، در مواردی که بر اساس سود ناشی از درآمد جزای نقدی تعیین می‌گردد، میزان سود ناشی از درآمد را بر اساس آخرین برگ تشخیص مالیاتی قطعی‌شده که از اداره مالیات مربوطه استعلام می‌کند، تعیین می‌نماید. اداره مالیات موظف است استعلام فوق را ظرف یک هفته پاسخ دهد. این اظهارنظر قطعی است و در صورتی که به هر دلیل برگ تشخیص مالیاتی صادر نشده باشد، جزای نقدی تعزیری ملاک صدور حکم خواهد بود».

قضاوت با خوانندگان که این ادبیات مربوط به فضای فرهنگی است یا اداره ذی‌حسابی؟ همچنین در ماده ۶۲ می‌خوانیم «مبالغ جریمه‌ها و جزاهای نقدی معادل مبلغ تعدیل‌شده زمان وصول اخذ می‌شود» که خلاف اصل بدیهی عدم سرایت قوانین کیفری به گذشته است.

اما از منظر کار رسانه‌ای که بستر انتشار همین یادداشت نیز یک روزنامه است و مصوبه می‌تواند در آینده نه‌چندان دور دامنش را بگیرد، در تبصره ۵ ماده ۴۲ آمده است: «مطبوعات، خبرگزاری‌ها، پایگاه‌های خبری و سایر رسانه‌هایی که دارای مجوز از مراجع رسمی هستند، نمی‌توانند اشخاصی را که تشکیل پرونده یا قرار تأمین یا قرار نظارت قضائی یا قرار جلب به دادرسی صادرشده علیه خود یا محکومیت قطعی خود به ارتکاب جرائم موضوع این قانون را اعلام عمومی کرده‌اند یا به هر نحو محکومیت قطعی با قرار جلب به دادرسی آنها به صورت عمومی منتشر شده یا به آن علم پیدا کرده‌اند، حسب مورد تا پیش از صدور حکم قطعی یا اجرای حکم قطعی به برنامه‌ها یا نشست‌ها دعوت کرده یا مصاحبه، سخنرانی، مقاله یا فعالیت تبلیغاتی مربوط به آنها یا مرتبط با آنها را پخش یا منتشر نمایند یا با آنان قرارداد منعقد کنند. در صورت تخلف از این حکم به حداکثر جزای نقدی درجه دو یا سه درصد (۳) تا پنج درصد (۵) سود سالانه ناشی از فعالیت هرکدام بیشتر باشد، محکوم می‌شوند». جدا از اینکه این ماده در تقابل با روایت نقل‌شده از امام علی(ع) است که فرموده «اُنظر الی ما قال و لاتَنظُر الی مَن قال» (به گفته بنگرید و نه گوینده)، به‌صراحت خلاف اصل ۳۷ قانون اساسی (اصل برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد) است. آیا شنیدن سخنان افرادی که فقط در مظان اتهام برای نقض یک ماده قانونی هستند و هنوز هیچ جرمی اثبات نشده است، اشکالی دارد؟ تصویب‌کنندگان که دغدغه شریعت اسلام را دارند، بفرمایند تکلیف آیه «الّذین یَستَمعون القول فَیَتبعُون اَحسَنه» (بندگانی که سخن را می‌شنوند و به نیکوترین آن عمل می‌کنند) با این ماده چه می‌شود؟

فرایند تصویب و اجرائی‌شدن قانون در کشور ما این‌گونه است: ارائه لایحه از سوی دولت (یا قوه قضائیه یا شورای عالی استان‌ها)، تصویب در مجلس شورای اسلامی، تأیید شورای نگهبان (یا مجمع تشخیص مصلحت نظام)، ابلاغ مصوبه توسط رئیس مجلس به رئیس‌جمهور، امضا و ابلاغ مصوبه توسط رئیس‌جمهور، انتشار توسط روزنامه رسمی و در نهایت گذشت ۱۵ روز از انتشار قانون. این روزها بحث امضای رئیس‌جمهور مطرح است. اصل ۱۲۳ قانون اساسی می‌گوید: «رئیس‌جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه‌پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضا کند و برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد». نکته مهم به کار رفتن کلمه «مصوبه» با وجود تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان است؛ پس متن بدون امضای رئیس‌جمهور «مصوبه» نام دارد و نه «قانون». ۱۴ آبان ۱۳۷۰ مجلس شورای اسلامی در اقدامی قابل انتقاد، با اصلاح تبصره ماده یک قانون مدنی تصویب کرد: «در صورت استنکاف رئیس‌جمهور از امضا یا ابلاغ در مدت مذکور در این ماده، به دستور رئیس مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت مصوبه را چاپ و منتشر نماید». حتی در همین تبصره که اختیار رئیس‌جمهور را محدود می‌کند، به متن پیش از امضا «مصوبه» اطلاق شده است نه «قانون». حال باید دید رؤسای دو قوه، توپ امضای «مصوبه حجاب» را در زمین کدام یکی می‌اندازند.

تحلیل‌خوانی

نقض اصل قضائی‌بودن و سیاست‌های کلی نظام

محسن برهانی

اصل قضائی‌بودن مجازات‌ها به آن معناست که فقط مقام صلاحیت‌دار قضائی است که می‌تواند به مجازات و اجرای آن حکم دهد و سایر آحاد جامعه یا نهادهای حاکمیتی حق تعیین و اجرای مجازات را ندارند. در قانون موسوم به حجاب و عفاف (با عنوان کامل قانون حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب)، دو ماده بیشترین کاربرد را دارند و اجرای این دو ماده دامن‌گیر بسیاری از زنان و دختران و مردان خواهد شد؛ ماده ۴۸ و ماده ۵۰ که درباره بدپوششی و عدم رعایت حجاب به تعیین جزای نقدی پلکانی پرداخته است. این دو ماده در بیانی مشابه، مقرر می‌کنند که اگر شخصی برای بار اول مرتکب بدپوششی یا کشف حجاب شود، «... در مرتبه اول از طریق سامانه‌های هوشمند فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا) با تطبیق با سایر بانک‌های اطمینان‌آور و احراز هویت قطعی مرتکب ...» به جزای نقدی معلق محکوم می‌شود و اگر برای بار دوم مرتکب جرم شود، جزای نقدی دوم و اول را باید پرداخت کند و در صورت ارتکاب در مرحله سوم است که تازه پای مرجع قضائی به ماجرا باز می‌شود و شخص به جزای نقدی درجه شش (در ماده ۵۰) یا حداکثر جزای نقدی درجه شش (در ماده ۴۸) محکوم می‌شود.

همان‌گونه که در ابتدای یادداشت ذکر شد، اصل قضائی‌بودن مجازات از اصول پذیرفته‌شده در نظام‌های حقوقی است و این اصل مبتنی بر مبانی عقلایی است؛ چراکه محکومیت افراد بدون رسیدگی قضائی، مصداق ظلم و سلب حق دفاع متهم است و محکومیت افراد باید در یک رسیدگی عادلانه و پس از تفهیم اتهام و اخذ اظهارات متهم و با رعایت حقوق دفاعی متهم ازجمله حضور وکیل انجام شود و نه به صورت سیستمی و دوربینی. اصل ۳۶ قانون اساسی تصریح کرده است: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد». عبارت «تنها از طریق دادگاه صالح»، تأکیدی دقیق و معنادار بر اصل قضائی‌بودن دارد.

برخی ناآشنایان به حقوق شاید این رویکرد را با موضوع تخلفات رانندگی مقایسه و ادعا کنند همان‌گونه که در آنجا دوربین میدان‌دار است و اصل قضائی‌بودن نقض نمی‌شود، چه اشکالی دارد که در اینجا نیز دوربین میدان‌دار باشد. یا ادعا شود که جرمی از سال ۱۳۶۲ تا ۱۴۰۳ به نام عدم رعایت حجاب وجود داشت و امروز قانون‌گذار این «جرم» را در دو مرحله اول و دوم تبدیل به «تخلف» کرده است و اقدام به تخلف‌انگاری به‌جای جرم‌انگاری کرده است. اولا، در قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴، جرائم به سه دسته جنایت، جنحه و خلاف تقسیم شده و خلاف، سبک‌ترین نوع جرائم محسوب می‌شد. صرف‌نظر از اینکه این تقسیم سه‌گانه سال‌هاست که کنار گذاشته شده است، جزای نقدی تعیین‌شده در این قانون برای مرحله اول و دوم در مواد ۴۸ و ۵۰، از نوع درجه هفت و هشت است و این یعنی اسم تخلف را می‌آورند اما مجازات نقدی سنگین را تحمیل می‌کنند. ثانیا، در تخلف‌انگاری نه خبری از حق دفاع متهم است و نه رسیدگی و نه حق اعتراض؛ عملا پلیس جای دادستان و قاضی می‌نشیند. تخلفات رانندگی امری استثنائی است که به علت سبک‌بودن، به‌عنوان تخلف شناخته شده است (برخی اندیشمندان تخلفات رانندگی را هم جرم می‌دانند و تخلف‌بودن آن را مورد انتقاد قرار می‌دهند) و در بسیاری موارد خودرو جریمه می‌شود و نه راننده. اما در ما نحن فیه افراد جریمه می‌شوند و قیاس یک موجود انسانی با شیئی همچون خودرو و اتومبیل قیاس مع‌الفارق است؛ زنان و مردان جامعه شیء نیستند که به‌مثابه ماشینی که مرتکب سرعت غیرمجاز شده است جریمه شوند، بلکه نیمی از جامعه هستند که باید با ایشان مانند یک انسان برخورد کرد.

ثالثا، بیش از ۴۰ سال است عدم رعایت حجاب جرم بوده است. حال چه اتفاقی افتاده که جرم را بتوان تبدیل به تخلف کرد؟ آیا می‌توان باور کرد طراحان دلشان برای خانم‌ها سوخته است که جرم را به تخلف تبدیل کرده‌اند؟ ظاهرا در باطن هدفشان تسهیل در برخورد و سخت‌گیری بیشتر بر بانوان و نقض حقوق زنان است.

رابعا، از نظر فقهی هم نمی‌توان بی‌حجابی را تخلف دانست؛ چراکه بی‌حجابی از باب حرمت عمل، ممنوع و قابل تعزیر است (التعزیرُ لِکلّ عَملٍ مُحرّم) و ازجمله ممنوعیت‌های حکومتی نیست و نمی‌توان امر تعزیر را به غیرقاضی و ناآشنایان به حقوق و قانون تفویض کرد. قاعده «التعزیرُ بما یَراه الحاکمُ» مانع از آن است که تعیین تعزیر به دوربین و فراجا سپرده شود؛ چراکه آشنایی ابتدایی به حقوق و قانون باید در شخص مفوض‌الیه وجود داشته باشد. تعیین مجازات قطعا اقدامی قضائی است که کارویژه دستگاه قضائی و قضات محترم است. در نظام سیاسی و اداری ایران برخی از انواع مجازات‌ها وجود دارد که شهروندان به نوعی مجازات محکوم می‌شوند، اما این تعیین مجازات از سوی نهادهای غیرقضائی تعیین می‌شود؛ مانند جرائم راهنمایی و رانندگی یا احکام صادره از سوی سازمان تعزیرات حکومتی یا احکام صادره از سوی کمیسیون اصل ۱۰۰ شهرداری و دادگاه‌های انتظامی و... . این نقص و موضوع قابل انتقاد از نگاه طراحان سیاست‌های کلی نظام و رهبری نظام مخفی نماند و برای رفع این معضل بر اساس بند ۵ سیاست‌های کلی نظام در بخش امنیت قضائی مصوب ۱۳۷۹ ابلاغی ۱۳۸۱ تأکید شد: «تمرکز دادن کلیه امور دارای ماهیت قضائی در قوه قضائیه با تعریف ماهیت قضائی و اصلاح قوانین و مقررات مربوط بر اساس آن و رسیدگی ماهوی قضائی به همه دادخواهی‌ها و تظلمات». چنانچه ملاحظه می‌شود، صریحا تأکید شده است که باید امور دارای ماهیت قضائی در قوه قضائیه متمرکز شود. حال با کمال تعجب در قانون موسوم به قانون حجاب و عفاف، امری قضائی بعد از ۴۱ سال حضور در قوانین کیفری و رسیدگی توسط قضات و پس از ۲۲ سال از ابلاغ سیاست‌های کلی نظام، یکباره برخلاف سیاست ابلاغی از دستگاه قضائی خارج و به نهادی غیرقضائی (فراجا) واگذار شده است و تعجب‌آورتر آنکه این امر نه مورد اشکال شورای نگهبان قرار گرفته است و نه مورد ایراد مجمع تشخیص مصلحت نظام! نقض اصل ۳۶ قانون اساسی و نقض سیاست‌های کلی نظام و نیز نقض اصل قضائی‌بودن مجازات در این قانون اشتباه فاحشی است که یا ریشه در عدم اطلاع تصویب‌کنندگان و ناظران نسبت به قانون اساسی و سیاست‌های ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری دارد یا خدای نکرده اطلاع و عدم اهتمام و التزام نسبت به قانون اساسی و سیاست‌های ابلاغی که در هر صورت باید به‌سرعت نسبت به اجرائی‌نشدن این بخش و اصلاح آن اقدام شود.

۴۵۰ هزار دلار

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب ایالات متحده، در مصاحبه جدید و خبرساز خود اعلام کرد از دریافت حقوق ۴۵۰هزاردلاری به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا برای چهار سال آینده خودداری خواهد کرد. او همچنین حقوق بازنشستگی را هم نمی‌خواهد دریافت کند. در تاریخ آمریکا به‌جز او فقط جورج واشنگتن حقوق ریاست‌جمهوری را رد کرده است.

۸۲ گلدن‌گلوب

نامزدهای هشتادودومین دوره جایزه گلدن‌گلوب اعلام شده است. «دانه انجیر معابد» در کنار فیلم‌های امیلیا پرز، دختری با سوزن، هرآنچه نور می‌پنداشتیم، من هنوز اینجام و ورمیگیلو، در بخش بهترین فیلم نامزد شده است. سلنا گومز، کیت وینسلت و سباستین استن افرادی هستند که دو نامزدی مختلف در رشته‌های بازیگری کسب کرده‌اند.

۵۰ میلیون تومان

نیروی انتظامی رمالی به نام ملکه را دستگیر کرده که درآمد روزانه او گاهی تا ۵۰ میلیون تومان می‌شده است. این زن با تحصیلات پنجم ابتدایی روزانه ۱۵۰ تا ۲۰۰ مراجعه‌کننده داشت و از هر نفر ۲۰۰ هزار تا یک میلیون تومان می‌گرفت. به گفته رئیس مرکز عملیات پلیس، این رمال به هر نفر یک نسخه کاغذی ناخوانا و یک ورقه آهن می‌داد.

خبرخوانی

تجلیل از زنان نام‌آور

سازمان منطقه آزاد چابهار برای نخستین بار رویداد بزرگ تجلیل از زنان نام‌آور و افتخارآفرین سیستان‌وبلوچستان را در آستانه ولادت بانوی دو عالم حضرت فاطمه زهرا(س) در تهران برگزار می‌کند.

هدف از این همایش، ضمن گرامیداشت روز زن، تکریم از زنانی است که با همت و تلاش مضاعف خود همواره در طول تاریخ و عرصه‌های مختلف، نماد استقامت، اخلاق، مهربانی و خلاقیت هستند و علی‌رغم دشواری‌ها و محرومیت‌ها در راه رسیدن به هدف مؤمنانه پیش می‌روند. درخشش این بانوان در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، ورزشی و هنری و کسب عناوین ارزشمند از سوی این بانوان، بیانگر معنای عمیق «توانستن»هاست.

هدف از برگزاری این رویداد بزرگ در تهران، نشان‌دادن اوج اهمیت آن و تسهیل حضور بانوان اثرگذار در سطح ملی و اهمیت‌دادن به شأن والای زنان افتخارآفرین ایران است. برگزارکنندگان این رویداد امیدوارند مراسم با حضور مقامات شناخته‌شده، معاونت امور زنان و خانواده رئیس‌جمهور، سخنگوی دولت و چهره‌های برجسته سیاسی و اقتصادی، ورزشکاران و هنرمندان بزرگ و نام‌آور، با شکوهی خاص و در شأن مردم غیور و دلاور و زنان افتخارآفرین این خطه از ایران عزیز اسلامی برگزار شود. این رویداد روز شنبه ۲۴ آذر از ساعت ۱۵ الی ۱۸ در تالار اندیشه حوزه هنری، تقاطع خیابان سمیه و حافظ برگزار می‌شود.

پیشخوان

زنان در سیاست‌نامه

شماره جدید مجله سیاست‌نامه با تصویری از حسین نصر منتشر شد. بخش اصلی مجله به مقالات تحلیلی درباره روایت سنت‌گرایان از زنان اختصاص دارد. اما پرونده ویژه سیاست‌نامه ۳۲ به مناسبت هشتادمین سالروز درگذشت شیخ ابراهیم زنجانی، دادستان محکمه شیخ فضل‌الله نوری، به زمانه و زندگی این مجتهد پرداخته است. سرمقاله‌ای با عنوان «نام ایران در نامه خسروان» آمده که بررسی جایگاه ایران در شاهنامه ابوالقاسم فردوسی به قلم حامد زارع، سردبیر سیاست‌نامه است. در بخش گزارش سیاست‌نامه پاییزی مطالبی به قلم روزنامه‌نگاران درباره زندگی اهالی فرهنگ و سیاست منتشر شده است. «اسطوره دوستی» به مناسبت هفتادمین سال اعدام مرتضی کیوان، «جبر جان‌کاه» به مناسبت سی‌امین سال‌مرگ سعیدی‌سیرجانی و «یاد بهار» به مناسبت سی‌امین سال‌مرگ مهرداد بهار در این بخش آمده است. در بخش دیدار، گفت‌وگو با صادق زیباکلام با عنوان «لزوم گذار از دسیسه به سیاست» آمده است. «همپرسگی با هانا آرنت» نوشته فرهنگ رجایی، «ما و ناسازنمای حقوق بشر معاصر» نوشته محمد قاری سیدفاطمی، «استثناگرایی آمریکایی» نوشته آرش رئیسی‌نژاد، «یک دیپلمات، یک روزنامه‌نگار» نوشته احمد نقیب‌زاده، «عبور از بیگانه‌هراسی» نوشته مجتبی مقصودی و «مارکسیست‌های بومی و مهاجران افغان» نوشته سالار سیف‌الدینی از مطالب بخش یادداشت این نشریه محسوب می‌شود. در بخش جستار مقاله‌ای مفصل از فردین مرادخانی با عنوان «ابرمفهوم قانون اساسی» منتشر شده است.

پس از آن در بخش پژوهش «ایرانشهر و حجاز» به قلم محمد عثمانی و سپس در بخش روایت، «شاهنامه در اندیشه مشروطه» به قلم جواد رنجبر درخشیلر منتشر شده است. در بخش سفرنامه نیز گزارشی از سفر به هندوستان با عنوان «دیدار دیار رام و آرام» به رشته تحریر درآمده است. در بخش ترجمه نیز دو مطلب «فرایند ساخت اروپای جدید» به قلم یوانا‌پاناگوره با ترجمه امیرتیمور شیبانی و «مدرنیته و شبح توتالیتاریسم» به قلم سمیول موین با ترجمه محسن قائم‌مقامی آمده است. این نشریه در ۳۸۸ صفحه و قیمت ۲۰۰ هزار تومان توسط گروه مطبوعاتی هم‌میهن منتشر شده است.

واکنش

پنهان‌کاری و خلاف واقع گفتن در شأن وزیر دولت وفاق نیست

شرق: انجمن نویسندگان کودک و نوجوان به اظهارات عجیب وزیر آموزش و پرورش واکنش نشان داد و بیانیه‌ای صادر کرد.

وزیر محترم آموزش و پرورش هفته گذشته در گفت‌وگوی کوتاهی، ابتدا از طرح ادغام کانون پرورش فکری در آموزش و پرورش اظهار بی‌اطلاعی می‌کند و سپس می‌گوید که نامه انجمن هیچ استنادی ندارد. انتظار داشتیم وزیر محترم اشتباه خود را تصحیح کند تا نیازی به توضیح بیشتر نباشد. حالا که یک هفته گذشت و اشتباه یادشده تصحیح نشد، لازم است یادآوری کنیم در نامه انجمن نویسندگان آمده است: «طرح نسنجیده برخی نمایندگان مجلس با عنوان «طرح تقویت آموزش و پرورش» همین جانِ از رمق افتاده کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را هم می‌خواهد بگیرد و با نگاهی اداری-اقتصادی به دنبال «تجمیع واحدهای استانی وزارت آموزش و پرورش، واحد استانی سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور و واحد استانی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» برای تشکیل «سازمان آموزش و پرورش استان» است که عملا حاصلی جز مضمحل‌کردن کانون در ساختار پرمشکل آموزش و پرورش نخواهد داشت. چنین تصمیمی نادیده‌انگاشتن ماهیت کانون پرورش فکری است که فعالیت‌های آن بر پایه حضور داوطلبانه، در اوقات فراغت و مبتنی بر علاقه مخاطبان نهاده شده است».

قاعدتا این نامه همراه با دستور رئیس محترم جمهور به دست وزیر محترم آموزش و پرورش رسیده است. پس چگونه آقای وزیر می‌گوید این کذب محض است؟ و نمی‌داند کِی و کجا چنین چیزی گفته؟ و اگر نامه را نخوانده، چرا می‌گوید که نامه‌شان هم هیچ استنادی نداشت؟ و ادامه می‌دهد «شما یک مستند بیاورید که یک مرجعی، یک معلمی، یک ساختاری، یک نهادی این موضوع را مطرح کرده». آیا طرح نمایندگان مجلس که دو ماه از اعلام وصول آن گذشته، متن آن در دسترس است و رئیس مرکز پژوهش‌ها هم درباره آن مصاحبه کرده، مستند نیست؟ یا از نگاه آقای وزیر، مجلس مرجع، ساختار و نهاد نیست؟

هرچند در پی‌نوشت رئیس‌جمهور نه‌فقط به یک موضوع، بلکه به «پیشنهادها و نگرانی‌های اظهارشده» اشاره و دستور صریح برای همکاری در راستای رفع این نگرانی‌ها داده شده، ولی گویی جناب وزیر همچنان در پی تکذیب و پوشاندن واقعیت‌هاست؛ چراکه با کمی تأمل، ملاحظه می‌کرد که در نامه و پی‌نوشت، به نگرانی‌هایی درباره ساختار و نحوه مدیریت کانون، انحراف رویکرد کانون از مأموریت‌های ذاتی برای پرورش خلاقیت کودکان به رویکرد آمرانه، سیاسی و غیرکودکانه، تصمیمات خسارت‌بار مدیران در تولید کتاب و عرضه محصولات فرهنگی، وضعیت نگران‌کننده کارشناسان و مربیان زحمتکش کانون و به حالت تعطیل یا نیمه‌تعطیل درآمدن برخی یا بسیاری از کتابخانه‌ها و فعالیت‌های پژوهشی و... اشاره شده است. آیا هیچ‌یک از این نگرانی‌ها که موجب صدور دستور رئیس‌جمهور محترم شده است، به نظر آقای وزیر تأمل‌برانگیز نبود تا برای بررسی موضوع و رایزنی با کارشناسان تصمیمی بگیرد؟

حال که وزارت آموزش و پرورش درباره طرح یادشده هیچ‌گونه موضع علنی نگرفته، می‌تواند با استقبال از تذکر انجمن نویسندگان، در مسیر حل مسائل و رفع مشکلات کانون پرورش فکری گام بردارد و با این انجمن همراهی کند که تقویت کانون پرورش فکری را در منفک‌شدن کامل آن از این وزارتخانه و تعریف ساختاری هیئت‌امنایی در سطحی متفاوت و با مشارکت تشکل‌ها و شخصیت‌های شناخته‌شده و متخصص این حوزه می‌بیند.

کاش رویه آقای رئیس‌جمهور در پاسخ‌گویی صادقانه و سریع، سرمشق مدیران دولت هم قرار بگیرد؛ چراکه شأن دولت وفاق و وزرای آقای پزشکیان بالاتر از تلاش برای پنهان‌کاری بی‌حاصل است که ناخواسته آنها را به دام سخنان خلاف واقع می‌اندازد و امیدواریم ایشان نیز به گفت‌وگو و تعامل با نهادها و تشکل‌های دلسوز و تخصصی این حوزه روی بیاورد. انجمن نویسندگان کودک و نوجوان همچنان که پیش‌تر نیز اعلام کرده، آمادگی دارد میزبان نشست یا نشست‌هایی تخصصی برای بررسی این نگرانی‌ها و جست‌وجوی راه‌حل‌های منطقی برای تقویت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان باشد.